

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دانشگاه اصفهان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

نقد شروح هفت پیکر نظامی

استاد راهنما:
دکتر مهدی نوریان

استاد مشاور:
دکتر مهدی تدین

پژوهشگر:
آصفه احمدی

مهرماه ۱۳۸۸

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات
و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه
متعلق به دانشگاه اصفهان است.



دانشگاه اصفهان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی
خانم آصفه احمدی

تحت عنوان

نقد شروع هفت پیکر نظامی

امضاء	به تصویب رسید.	عالی	توسط هیات داوران بررسی و با درجه عالی
امضاء	با مرتبه علمی استاد	دکتر سید مهدی نوریان	رئیس هیات داوران
امضاء	با مرتبه علمی استاد	دکتر مهدی تدین	مشاور پایان نامه
امضاء	با مرتبه علمی استادیار	دکتر علی اکبر احمدی دارانی	استاد داور داخل گروه
امضاء	با مرتبه علمی استادیار	دکتر علیرضا جلالی	استاد داور خارج از گروه

و ملایم است
امضای مدیر گروه

با تشکر فراوان از استادان گرانقدر جناب آقای دکتر مهدی نوریان و جناب آقای دکتر مهدی تدین، که لطف کردند و راهنمایی و مشاوره این رساله را به عهده گرفتند. دشواری های سخن نظامی بدون مساعدت این استادان فرزانه قابل حل نبود، لطف ایشان را سپاسی درخور نمی یابم. همچنین بر خود واجب می دانم از زحمات استاد فرزانه و بزرگوار جناب آقای دکتر محسن محمدی فشارکی، که الفبای تحقیق را از ایشان فراگرفتم و با راهنمایی های بی دریغشان همواره چراغ راهم بودند، نیز کمال تشکر را داشته باشم.

تقدیم به همه کسانی که وجودشان به
زندگیم

نور دانش، عشق و محبت بخشید.

چکیده:

این رساله نقد و بررسی تطبیقی شروحو است که بر منظومهٔ هفت پیکر نوشته شده است. از شروحو که بر این مثنوی نوشته شده، می توان به شرح و توضیح استادانی همچون حسن وحید دستگردی، بهروز ثروتیان، عبدالمحمد آیتی و برات زنجانی اشاره کرد.

با اینکه شروح نامبرده از اهمیت و ارزش بسیاری برخوردارند، اما باید اذعان داشت که در بخشی از آنها ابهاماتی راه یافته که باعث بدفهمی و گاه دور شدن خواننده از معنی درست بیت گردیده است. با توجه به اینکه نقد و بررسی یک اثر گامی مؤثر در شکوفایی آن است؛ لذا در این رساله ضمن قدردانی از زحمات شارحان محترم، به نقد و بازبینی این شروح پرداخته، برخی از این اشکالات و کاستی ها را مورد بررسی قرار می دهیم، تا شاید هدف والای شارحان که همانا ایضاح مطالب و شرح دشواریهای متون است به نحو احسن محقق شده، زمینه ای برای بسط موضوع نقد ادبی در عرصهٔ ادب فارسی گردد.

کلید واژه ها : حکیم نظامی گنجوی، هفت پیکر، نقد شرح هفت پیکر وحید دستگردی، نقد شرح هفت پیکر زنجانی، نقد شرح هفت پیکر آیتی، نقد شرح هفت پیکر ثروتیان .

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول: کلیات
۱-۱	بیان مسأله تحقیق.....
۲-۱	اهمیت و ارزش تحقیق.....
۳-۱	روش کار.....
۴-۱	محاسن و معایب شروح.....
۵	فصل دوم: بسم الله الرحمن الرحيم.....
۱۶	فصل سوم: فی نعت سید المرسلین صلی الله علیه و سلم.....
۲۷	فصل چهارم: در معراج رسول الله صلی الله علیه و سلم.....
۴۳	فصل پنجم: در سبب نظم کتاب.....
۵۹	فصل ششم: در دعای پادشاه سعید علاء الدین کرپ ارسلان.....
۶۷	فصل هفتم: در خطاب زمین بوس.....
۸۳	فصل هشتم: در ستایش سخن و حکمت و اندرز.....
۱۰۷	فصل نهم: در نصیحت فرزند خویش.....
۱۱۷	فصل دهم: آغاز داستان بهرام.....
۱۲۱	فصل یازدهم: صفت سمنار و ساختن قصر خورنق.....
۱۲۶	فصل دوازدهم: صفت قصر خورنق و ناپیدا شدن نعمان.....
۱۳۳	فصل سیزدهم: شکار کردن بهرام و داغ کردن گوران.....
۱۳۷	فصل چهاردهم: کشتن بهرام اژدها را و گنج یافتن.....
۱۴۳	فصل پانزدهم: دیدن بهرام گور صورت هفت پیکر را در خورنق.....
۱۴۶	فصل شانزدهم: خبر یافتن بهرام از وفات پدر.....
۱۴۸	فصل هفدهم: لشکر کشیدن بهرام بایران.....
۱۵۲	فصل هجدهم: آغاز سخن.....
۱۵۳	فصل نوزدهم: نامه پادشاه ایران به بهرام گور.....
۱۵۶	فصل بیستم: پاسخ دادن بهرام ایرانیانرا.....
۱۶۴	فصل بیست و یکم: برگرفتن بهرام گور تاج از میان دو شیر.....
۱۶۵	فصل بیست و دوم: بر تخت نشستن بهرام بجای پدر.....

۱۶۷	فصل بیست و سوم: صفت پادشاهی بهرام گور
۱۷۱	فصل بیست و چهارم: صفت تنگ سالی و شفقت بهرام بر رعیت
۱۷۳	فصل بیست و پنجم: داستان بهرام با کنیزک خویش
۱۷۷	فصل بیست و ششم: مشورت کردن کنیزک با سرهنگ در مهمانی شاه
۱۷۸	فصل بیست و هفتم: بردن سرهنگ بهرام گور را بمهمانی
۱۸۲	فصل بیست و هشتم: لشکر کشیدن خاقان چین و ظفر یافتن بهرام گور
۱۸۶	فصل بیست و نهم: عتاب کردن بهرام با سران لشکر
۱۸۸	فصل سی ام: صفت مجلس بهرام در زمستان و ساختن هفت گنبد
۱۹۷	فصل سی و یکم: رفتن بهرام بتماشای هفت گنبد
۱۹۸	فصل سی و دوم: نشستن بهرام روز شنبه در گنبد مشکین و حکایت گفتن دختر ملک اقلیم اول، حکایت
۲۱۸	فصل سی و سوم: نشستن بهرام روز یکشنبه در گنبد زرد و حکایت گفتن دختر ملک اقلیم دوم
۲۲۰	فصل سی و چهارم: حکایت
۲۳۱	فصل سی و پنجم: نشستن بهرام روز دوشنبه در گنبد سبز و حکایت گفتن دختر ملک اقلیم سوم
۲۳۳	فصل سی و ششم: حکایت
۲۴۱	فصل سی و هفتم: نشستن بهرام روز سه شنبه در گنبد سرخ و حکایت کردن دختر ملک اقلیم چهارم
۲۴۲	فصل سی و هشتم: حکایت
۲۵۹	فصل سی و نهم: نشستن بهرام روز چهارشنبه در گنبد پیروزه و حکایت کردن دختر پادشاه اقلیم پنجم
۲۶۱	فصل چهلم: حکایت
۲۸۱	فصل چهل و یکم: نشستن بهرام روز پنجشنبه در گنبد صندلی و حکایت کردن دختر ملک اقلیم ششم
۲۸۴	فصل چهل و دوم: حکایت

فصل چهل و سوم: نشستن بهرام روز آدینه در گنبد سپید و حکایت کردن دختر ملک اقلیم هفتم	۳۰۰
فصل چهل و چهارم: حکایت	۳۰۲
فصل چهل و پنجم: آگاهی یافتن بهرام از لشکر کشی خاقان چین بار دوم	۳۱۲
فصل چهل و ششم: اندرز گرفتن بهرام از شبان	۳۱۹
فصل چهل و هفتم: بازخواست بهرام از وزیر ستمکار	۳۲۲
فصل چهل و هشتم: شکایت کردن مظلوم دوّم	۳۲۴
فصل چهل و نهم: شکایت کردن مظلوم سوّم	۳۲۷
فصل پنجاهم: شکایت کردن مظلوم چهارم	۳۲۹
فصل پنجاه و یکم: شکایت کردن مظلوم پنجم	۳۳۱
فصل پنجاه و دوم: شکایت کردن مظلوم ششم	۳۳۳
فصل پنجاه و سوم: شکایت کردن مظلوم هفتم	۳۳۷
فصل پنجاه و چهارم: کشتن بهرام وزیر ظالم را	۳۴۰
فصل پنجاه و پنجم: پوزش خواستن خاقان چین از بهرام	۳۴۳
فصل پنجاه و ششم: فرجام کار بهرام و ناپیدا شدن او در غار	۳۴۴
فصل پنجاه و هفتم: در ختم کتاب و دعای علاء الدین کرپ ارسلان	۳۵۷
سخن پایانی	۳۶۶
منابع و مأخذ	۳۶۷

فصل اول

کلیات

۱-۱ بیان مسأله تحقیق

حکیم نظامی گنجوی از استادان بزرگ و از ارکان ادب فارسی است. در ادب فارسی داستان‌پردازی، در منظومه‌های پرآوازه او به اوج خود رسید. عده بسیاری از شاعران به تقلید از پنج گنج او پرداختند. همچنین از دیرباز تصحیح‌های مختلفی از پنج گنج وی ارائه شده است. به دلیل اهمیتی که اشعار نظامی برای استادان و دانشجویان زبان و ادبیات فارسی داشته است، استادانی به شرح و توضیح مشکلات ابیات آن پرداخته‌اند. از جمله این منظومه‌ها، مثنوی «هفت پیکر» یا «هفت گنبد» است که گاهی «بهرام‌نامه» نیز خوانده شده و چهارمین منظومه نظامی است که در آن داستانهای بهرام گور در متجاوز از ۵۰۰۰ بیت به رشته نظم کشیده شده است. این مثنوی در بحر خفیف بر وزن فاعلاتن مفاعیلن فعلا و در پاره‌ای ابیات فاعلاتن مفاعیلن فعلا در سال ۵۹۳ به نام علاالدین کرپ ارسلان حاکم مراغه سروده شده است.

از شروحي که بر «هفت پیکر» نظامی نوشته شده، می‌توان به شرح و توضیح استادانی همچون حسن وحیددستگردی، بهروز ثروتیان، برات زنجانی، عبدالمحمد آیتی و کار ارزشمند محمد معین یعنی تحلیل هفت پیکر نظامی اشاره کرد.

با تمام اهمیت و ارزشی که برای این شروح قائل هستیم باید اذعان داشت که در بخشی از آنها اشتباهاتی راه یافته، که باعث دور شدن خواننده از معنی درست بیت می‌گردد، از آنجا که بسیاری از این اختلافات ناشی از اختلاف نسخه هاست، لذا نگارنده قصد دارد به اختلاف نسخه‌های این چهار شرح نیز اشاره کند و با بهره‌مندی از نظریات ارزشمند استادان راهنما و مشاور به تصحیح اشتباهات راه یافته در این شروح بپردازد، تا

شاید هدف والای شارحان که همانا ایضاح مطالب و شرح دشواری های متون است به نحو احسن محقق شده، زمینه ای برای بسط موضوع نقد ادبی در عرصه ادب فارسی گردد.

۱-۲ اهمیت و ارزش تحقیق

از آنجا که نظامی از جمله بزرگترین شاعران زبان فارسی و سرآمد منظومه سرایان غنایی محسوب می شود و پنج گنج وی از شهرت و اعتبار بسزایی برخوردار است، لذا استادان بزرگی به شرح منظومه های وی پرداخته اند. با توجه به اینکه نقد و بررسی یک اثر، نه تنها، لطمه ای به آن وارد نمی کند، بلکه باعث رشد و ترقی آن نیز می گردد و چه بسا که زمینه ساز تحقق هدف شارحان که همانا آشکار شدن دشواریهای متون است، نیز می گردد.

نظر به اینکه، هفت پیکر یکی از شاهکارهای نظامی است که از متون مهم ادب فارسی محسوب می شود و درک صحیح از آن باعث اشراف بر دیگر آثار نظامی و همچنین سایر کتب ادبی می گردد؛ لذا توجه به شروح مذکور و اصلاح غلط ها و کاستی های راه یافته در آن، ضروری می نماید. امید است تحقیقاتی از این گونه زمینه ای برای بسط موضوع نقد ادبی در عرصه ادب فارسی گردد.

۱-۳ روش کار

روش تحقیق نگارنده در این پژوهش تحلیل محتوایی و اسنادی است. نخست چهار شرح مذکور مورد مطالعه قرار گرفت و ابیاتی که به هر نحو از لحاظ معنای بیت یا لغات و ترکیبات با یکدیگر اختلاف داشتند و یا مواردی که نادرست و مبهم به نظر می رسید، فیش برداری شد. از آنجا که بسیاری از اشتباهات راه یافته در معنا ناشی از اختلاف نسخه هاست، لذا نسخه علمی انتقادی انیستیوی شوروی به عنوان نسخه اساس قرار گرفت و اختلاف نسخه ها ذیل بیت ذکر گردید. همچنین برای متمایز شدن کلمه مورد اختلاف زیر آن کلمه خط کشیده شد و یا به صورت کج نوشته شد تا کاملاً مشخص باشد. چنانچه اختلافات مربوط به مصراع دوم بود، برای متمایز شدن از مصراع اول، قبل از آن یک علامت (/) گذاشته شده است. برای سهولت در دسترسی به ابیات، نشانی هر بیت در بالای آن بیت، با ذکر شماره صفحه و بیت درج گردید.

لازم به ذکر است که برای شکل ظاهری کلمات رسم الخط نسخه شوروی رعایت شده و ابیات از روی آن نسخه نوشته شده است. برای درک بهتر سخن نظامی، کتابها و مقالاتی که به نحوی با این موضوع در ارتباط بودند، مورد مطالعه قرار گرفت تا با مقایسه نظریات مطرح شده، معنا و مفهوم دقیق متن برای نگارنده روشن گردد و در نقد شروح مورد استفاده قرار گیرد.

۱-۴ محاسن و معایب شروح

بر منظومه هفت پیکر چهار شرح نگاشته شده، که عبارتند از: شرح وحید دستگردی، بهروز ثروتیان، برات زنجانی و عبدالمحمد آیتی. مرحوم وحید دستگردی اذعان می دارد که هفت پیکر را پس از مقابله با سی نسخه کهنسال مورخ هفتصد و اند هجری تصحیح کرده است، وی بر این باور است که پس از رحلت حکیم نظامی تا کنون نامه هفت پیکر بدین صحت و تمامی وجود نداشته و ندارد، اما متأسفانه در این چاپ هیچ کدام از این سی نسخه مأخذ معرفی نشده و اختلاف نسخه ها هم داده نشده است و به ندرت به تحریف های احتمالی که در نسخ دیگر راه یافته، اشاره کرده اند. ایشان در شرح ابیات به ارتباط بین آنها به خوبی توجه داشته، از قرینه های موجود در ابیات قبل و بعد در شرح ابیات مبهم کمک گرفته و به شرح بیت پرداخته است، ولی از ذکر اصطلاحات و کنایات ادبی و صنایع ادبی بازمانده اند و این برای کسی که بخواهد از اصطلاحات و کنایات به کار رفته در بیت مطلع گردد، مفید نیست. در عوض هرگاه به ذکر معنای کنایی و عبارتی در بیت پرداخته اند، به خوبی از عهده شرح آن برآمده به گونه ای که تفسیر ایشان نسبت به دیگر شروح برتر می باشد، ایشان در شرح کلمات به کار رفته در بیت به معنای آن در عصر شاعر نیز توجه داشته، به دقت به شرح آن پرداخته است. بطور کلی می توان گفت از نظر صحت مطالب هنوز تقدم با نسخه وحید دستگردی است.

در رابطه با شرح ثروتیان باید گفت، ایشان اساس کار خود را بر دستنویسی که از کتابخانه ملی تبریز یافته اند و جزو کتب اهدایی شادروان حاج حسین نجوانی بوده و در سال ۷۵۴ ه. ق به دست اسماعیل محمود نوشته شده، قرار داده اند. در نسخه ایشان اغلاط و تحریفات بسیاری راه یافته که باعث دگرگون شدن معنی بیت گردیده است. باید اذعان داشت که، گرچه از ویژگیهای یک شرح خوب این است که ایجاز و اختصار در شرح ابیات در برخی از موارد موجب نارسایی معنا می شود و گاهی توضیح بیشتر برای روشن شدن مفهوم، ضروری است؛ ولی به نظر می رسد، اگر در توضیح معنی ابیات راه اطناب نیز پیموده شود، آن نیز خالی از اشکال نیست و خواننده را سردر گم می کند. در شرح ثروتیان این ویژگی به وفور دیده می شود. همچنین ایشان از قرینه های موجود در ابیات قبل و بعد در شرح ابیات مبهم کمک نگرفته؛ لذا در تشخیص مفهوم درست بیت دچار مشکل گردیده اند. از ویژگیهای مثبت این نسخه می توان به ذکر نسخه بدلها در پاورقی هر صفحه بر خلاف چاپ وحید، که امکان مقایسه همزمان نسخه بدل ها را با نسخه اصلی در متن به خواننده می دهد و اینکه بیش از سایر شارحین به جنبه های بلاغی توجه کرده اند، همچنین داشتن واژه نامه و امثال و شواهد شعری آن، اشاره کرد، که بسیار مفید می باشد. در خصوص نسخه زنجانی نیز باید اذعان کرد که، متن ایشان بر اساس نسخه خطی که در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به آن دست یافته اند و تاریخ کتابت آن ۷۱۸ ه. بوده است، با چهار نسخه دیگر مقابله کرده، به تصحیح التقاطی هفت پیکر نظامی اقدام

نموده است. در شرح زنجانی، توضیحات برای روشن شدن مضمون بیت، در حد نیاز است و ایشان به ذکر شواهد متعددی هم از آثار دیگر نظامی و هم از متون نظم و نثر دیگر نیز پرداخته است که خواننده را در فهم بهتر معنی بیت یاری می کند. این شرح دربردارنده کشف الابیات و تعلیقات بسیار خوبی است. باید گفت در این شرح اشتباهات کمتری دیده می شود و اکثر اشتباهات ناشی از اختلاف نسخه هاست.

نسخه آیتی اگر چه گزیده ای از این مثنوی است و تمامی ابیات را در بر ندارد، اما مفید است. خود ایشان در مقدمه کتاب اذعان می دارند که در افسانه های هفت گنبد بیت های آن چنان به هم پیوسته است که برای حذف و گزینش مجالی نمی ماند. بنابراین کتاب چندان چیزی از اصل داستان کم ندارد. ایشان در شرح لغات و ترکیبات تنها به دو منبع یعنی فرهنگ معین و لغت نامه دهخدا مراجعه کرده اند که، به نظر می رسد اگر فرهنگ های دیگر را نیز مورد استفاده قرار می دادند، مفیدتر بود. ایشان در ذیل ابیات نخست به آوردن لغات و ترکیبات بیت پرداخته، سپس مفهوم آن را بیان داشته اند که از مزایای این شرح محسوب می شود، بطور کلی می توان گفت شرح ایشان از اعتباری همانند نسخه زنجانی برخوردار است؛ هر چند ذکر شواهد، در آن به ندرت دیده می شود.

فصل دوم

بسم الله الرحمن الرحيم

۱- آ: ص ۱، ب ۱ ث: ص ۵۹، ب ۱ ز: ص ۲۵، ب ۱ و: ص ۲، ب ۱

ای جهان دیده بود خویش از تو هیچ بودی نبوده پیش از تو

نسخه «و» به شرح این بیت نپرداخته است. ثروتیان و زنجانی، ضمن اینکه هر دو به مفهوم بیت که اذعان دارد: «ای خدایی که جهان بود و هستی خویش را از تو دیده است و تو را آفریننده خود می داند.» اشاره می کنند؛ آقای زنجانی، جهان را مجاز به اعتبار حال و محل قلمداد نموده و آن را به معنی مخلوق جهان گرفته، درحالیکه به نظر این حقیر جهان می تواند در معنی حقیقی خود نیز به کار رفته باشد. ثروتیان، نیز علاوه بر معنی ارائه شده به این نکته که: «ای خدای آفریننده جهان تو ازلی و ابدی هستی» نیز اشاره داشته، درحالیکه در این بیت فقط به ازلی بودن خداوند اشاره شده است.

علاوه بر این علامه جعفری با نقل بیت مزبور، اذعان می دارد که زبان شعر نظامی، زبان روح آدمی است که انسان را متوجه فطرت خود می سازد. «حالت نیایش در بیان توحید و خالقیت خداوندی عمیق ترین سطوح جان آدمی را به هیجان درمی آورد، و جان را در فوق استدلال و بازی با مفاهیم قرار می دهد.» (جعفری، ۱۳۷۰: ۱۰۲)

۲- آ: ص ۱، ب ۲ ث: ص ۵۹، ب ۲ ز: ص ۲۵، ب ۲ و: ص ۲، ب ۲

در بدایت بدایت همه چیز در نهایت نهایت همه چیز

مفهوم بیت کاملاً روشن است و به این موضوع که همه چیز از خداوند آغاز و سرانجام به او منتهی می گردد، اشاره می کند. نسخه «آ» در ذیل این بیت به آیه «هو الأول و الآخر و الظاهر و الباطن و هو بكل شئ علیم» (حدید/۳) نیز اشاره کرده است.

محمد تقی جعفری اذعان می دارد که «نظامی در ابیات خود با بیاناتی گوناگون این حقیقت را که خداوند آن اول است که هیچ چیزی قبل او نیست و آن آخر است که هیچ چیزی بعد از وجود او پایدار نیست، بیان نموده است. در این ابیات استحکام مطالب با زیبایی هنر ادبی چنان شکوفا شده است که نظیر آن را کمتر در ادبیات اقوام و ملل می توان پیدا کرد.» (جعفری، ۱۳۷۰: ۹۹-۹۸)

۳- آ: ص ۱، ب ۳: ث: ص ۵۹، ب ۳: ز: ص ۲۵، ب ۳: و: ص ۲، ب ۳

ای برآرنده سپهر بلند / انجم افروز و انجمن پیوند

نسخه «ث» ترکیب «انجمن پیوند» را به معنی گرد هم آورنده و مجلس و مجمع سازنده، بالکنایه آنکه ذرات اشیاء و اجزاء عالم وجود را از جماد و نبات و حیوان و آسمان و ستارگان آفریده و پیش هم فراهم آورده است و کنایه از آفریدگار دانسته؛ ولی نسخه «ز» آن را به مفهوم «گرد آورنده جمعیت خاطر» نیز پنداشته است و آن را اشاره به آیه ۶۵ از سوره انفال «و الف بین قلوبهم...» گرفته؛ در صورتی که ذیل «انجمن پیوند» در لغت نامه دهخدا به هیچ وجه اشاره ای به گردآورنده جمعیت خاطر نشده بود. بنابراین هر چند فراهم آمدن افراد گرد هم، خود سبب جمعیت خاطر نیز می شود و این مفهوم را نیز به ذهن تداعی می کند؛ لذا می توان گفت منظور از «انجمن پیوند» همان گرد آورنده افراد انجمن و در اینجا مراد خداوند است.

۴- ث: ص ۵۹، ب ۵: ز: ص ۲۵، ب ۵: و: ص ۲، ب ۵

سازمند از تو گشت کار همه / ای همه و آفریدگار همه

نسخه «ز» در رابطه با مصراع دوم توضیحات زیبا و مبسوطی ارائه نموده، علاوه بر این به ذکر شواهدی از مناجات نامه خواجه عبدالله انصاری و مثنوی مولانا نیز پرداخته و بدین ترتیب مفهوم مصراع را به خوبی منتقل کرده است؛ وی اذعان داشته که: «ای خدا تو همه ای و آفریدگار همه ای. اگر گویم من مخلوقم و او خالق در این عبارت وجود خود را نیز در مقابل او اثبات کرده ام و این در عرفان درست نیست که در برابر خدا وجود دیگری را اثبات کنیم پس باید «من» را حذف کرد و گفت: «همه خداست و ما هیچ هستیم.»

علامه جعفری «ای همه و آفریدگار همه» را این گونه تفسیر نموده: «منظور نظامی این است که عظمت و استقلال و غنای مطلق و صمدانیت وجود خداوندی در مرتبه ای است که دیگر موجودات در برابر آن ذات اقدس موجودیتی با هویت مستقل و غنای مطلق وجود ندارد. این مطلب شبیه به همان است که نظامی در مناجات شرفنامه آورده است: خداوند بالا و پستی تویی / همه نیستند آنچه هستی تویی (جعفری، ۱۳۷۰: ۶۸) که کاملاً درست است.

۵- ث: ص ۵۹، ب ۷ ز: ص ۲۵، ب ۷ و: ص ۲، ب ۷

روشنی پیش اهل بینائی نه بصورت بصورت آرائی

ثروتیان، در رابطه با جمله معترضه «نه بصورت» دو معنی ارائه کرده است: «۱- اهل بینایی در معنی و درون خویش به آفریدگاری تو پی برده اند. ۲- در ظاهر و بیرون از عالم معنی تو را نمی توان دید و اهل بینش تو را به صورت نمی بینند، بالکنایه وجود واجب تو تردید ناپذیر است و لکن وجود مادی نیست.» این در حالی است که علامه جعفری نیز معتقد است که در آثار نظامی به اشتباهاتی بر می خوریم که یکی از آنها دیدن خداوند با چشم ظاهری است که نظامی، تحت تأثیر عقیده کلاسیک محیط خود قرار گرفته است و به عنوان نمونه بیت فوق را ذکر کرده است. (رک: جعفری، ۱۳۷۰: ۶۵)

با توجه به اینکه مخاطب در این بیت خداوند است، با کمی دقت در می یابیم که ترتیب جمله بدین صورت می باشد: «خداوندا، پیش اهل بینایی نه بصورت، بلکه بصورت آرائی روشنی.» یعنی: خدایا تو ظاهری، اما نه اینکه صورتی داشته باشی و به صورت آشکار باشی؛ بلکه به صورت آرای و آفرینش صورتها آشکاری. در صورتی که اگر بیت را، به شکل اولی که دکتر ثروتیان بیان داشته اند، معنی کنیم نظم جمله به هم می خورد؛ بنابراین تعریف اول ارائه شده توسط ایشان وجهی ندارد. مایکل بری در تفسیری که بر هفت پیکر نظامی نوشته، آورده است: «فرزانه خدای را از روی نماد آفرینش او می شناسد. هر جنبه از آفرینش نشانه ای است که یکی از نامهای خدا را آشکار می سازد و این نام یک جنبه، یک وجه از کیهان را تعریف می کند.» (بری، ۱۳۸۵: ۲۰۰)

۶- آ: ص ۱، ب ۶ ث: ص ۵۹، ب ۸ ز: ص ۲۵، ب ۸ و: ص ۲، ب ۸

بھیاتست جمله موجودات زنده بل کز وجود تست حیات

آ، ز، و: زنده

سه نسخه «آ»، «ز» و «و» به جای «جمله» «زنده» ضبط کرده اند که معتبر می باشد، زیرا در حواشی «ش» موجود است. اما باز برتری با نسخه «ش» است.

نسخه «ث» از آنجا که بیت را مطابق با نسخه «ش» ضبط کرده، معتقد است که شاعر با قرار دادن لفظ «زنده» در ابتدای مصراع دوم به حذف بلیغ چنگ زده و مسند جمله اول را به قرینه لفظی حذف کرده است. به نظر می رسد که استدلال نسخه «ث» وجهی پسندیده تر دارد هر چند که هر دو ضبط، مضمون واحدی را منتقل می کند.

۷- آ: ص ۲، ب ۸ ث: ص ۵۹، ب ۱۰ ز: ص ۲۵، ب ۹ و: ص ۲، ب ۱۰

نام تو کابتدای هر نامست اوّل آغاز و آخر انجامست

ز: الحاقی

مفهوم بیت چنانکه شارحان محترم نیز ذکر کرده اند به این نکته که، نام پاک خداوند که در آغاز و پایان هر نام است، ازلی و ابدی می باشد، اشاره دارد؛ تنها آقای ثروتیان، علاوه بر این معنا، «نامست» را به معنی نامه است، نیز پنداشته. باید گفت از آنجا که «نامه است» در قدیم به شکل «نامست» کتابت می شده؛ لذا استنباط ایشان صحیح و قابل قبول می باشد.

لازم به ذکر است که نظامی هر یک از پنج گنج خود را با نام و یاد خدا آغاز کرده است؛ چنانکه در آغاز مخزن الاسرار نیز می خوانیم:

بسم الله الرحمن الرحيم	هست کلید در گنج حکیم
فاتحة فکرت و لطف سخن	نام خدای است برو ختم کن

۸- آ: ص ۲، ب ۹ ث: ص ۵۹، ب ۱۲ ز: ص ۲۵، ب ۱۲ و: ص ۲، ب ۱۲

هست هر هستیی درست بتو بازگشت همه بتست بتو

آ، و: هست بود همه

دو نسخه «آ» و «و» به جای «هست هر هستیی»، «هست بود همه» ضبط کرده اند که در حواشی «ش» مشهود است و همان مفهوم را می رساند؛ لیکن برتری با ضبط «ش» است.

معنی بیت کاملاً واضح و مبرهن است و همان است که آیتی، نیز مطرح کرده، گفته: «هستی همه موجودات به وجود تو کمال یافته اند.» ولی شارح محترم در ادامه معنی آورده، که ممکن است «درست» قید باشد به معنی واقعاً، محققاً. به نظر می رسد «درست» در اینجا به معنی کامل و استوار می باشد نه بمعنی واقعاً؛ لذا احتمال وارد شده توسط آیتی، قابل قبول نمی نماید. شاعر می خواهد این مطلب را بیان کند که وجود هر موجودی به وسیله تو کامل و استوار شده، یا به عبارت دیگر سامان یافته است. مصراع دوم به آیه شریفه «آنا لله و آنا الیه راجعون» بقره/۱۵ اشاره دارد.

۹- آ: ص ۲، ب ۱۰ ث: ص ۶۰، ب ۱۴ ز: ص ۲۵، ب ۴ و: ص ۳، ب ۲

تو نَزادی و دیگران زادنند **تو خدائی و دیگران بادند**

آ، ث، ز، و: آن دگر / آن دگر

همه نسخه ها بر خلاف نسخه «ش» به جای «دیگران»، «آن دگر» ضبط کرده اند که معتبر و قابل قبول می باشد؛ زیرا که در حواشی «ش» مشهود است و از لحاظ معنایی نیز تفاوتی ایجاد نمی کند. مصراع اول همچنانکه شارحان محترم ذکر کرده اند به آیه ۳ سوره اخلاص اشاره دارد: «لم ید و لم یولد». دکتر آیتی در ذیل مصراع دوم، «باد» را کنایه از باطل و بیهوده می داند و در شرح این مصراع اذعان می دارد: «آنکه شایان نام خدایی است تو هستی و دیگران همه باطل و بیهوده اند.» استنباط ایشان منطقی و قابل قبول به نظر می رسد؛ هر چند می توان این معنی را نیز برای آن در نظر گرفت که، تو خدایی و دیگران در مقابل تو به ناچیزی باد هستند.

۱۰- ث: ص ۶۰، ب ۱۶ ز: ص ۲۵، ب ۱۶ و: ص ۳، ب ۴

و آنکه نا اهل سجده شد سر او **قفل بر قفل بسته شد در او**

ز: الحاقی

نسخه «و» در ذیل این بیت تصریح می کند که: «اشارت به شیطان است که از سجده آدم روی برتافت و رانده درگاه گردیده در توبه به رویش قفل و بسته شد.» استنباط نسخه «ز» علاوه بر ابلیس که نا اهل سجده شد، مردم ابلیس منش نیز می باشد، که کاملاً درست و منطقی است.

۱۱- آ: ص ۲، ب ۱۱ ث: ص ۶۰، ب ۱۷ ز: ص ۲۵، ب ۱۷ و: ص ۳، ب ۵